

سیمای هنری معشوق در غزل معاصر شاعران ایرانی

چکیده

مضامین عاشقانه و توصیف معشوق یکی از ارکان ثابت غزل به عنوان یک قالب شعری از ابتدای پیدایش آن بوده است. با این حال، بررسی سیر تاریخی غزل حاکی از این است که در برخی از مقاطع تاریخی تحولاتی در مضامین آن به وجود آمده است. بدون شک مجموعه‌ای از تحولات در فضای فرهنگی و اجتماعی یک جامعه می‌تواند در ایجاد تحول در سبک‌های شعر و مضامین غزل به عنوان مجرای برای بیان احساس‌ها و تعلقات روحی نقش داشته باشد. سؤالی که اینجا می‌توان مطرح کرد این است که کدام مؤلفه‌ها در غزل شاعران معاصر ایران سبب پیدایی سیمای هنری معشوق شده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تغییر و تحول شگرف در توصیف هنری معشوق در دوره معاصر ناشی از نوع نگرش عاشق - شاعر به معشوق است. مؤلفه‌هایی چون ترک توصیفات تکراری و کلیشه‌ای سیمای معشوق در غزل، کاربست مشبه‌به‌ها و وجه‌شبه‌های بدیع و نو در توصیف سیمای معشوق و ابداع صفات و ترکیبات تازه به عنوان صفت معشوق سبب شده است تا علاوه بر تغییراتی که در ساختار، فرم، قالب و زبان غزل روی داد، معشوق کلیت خود را از دست داد و به سوی فردیت حرکت کند. هم‌چنین رابطه‌ی مالک و مملوکی عاشق و معشوق که حاصل غزل کلاسیک بود، جای خود را به یک رابطه‌ی دو سویه همراه با درک متقابل از یکدیگر داد. این تغییرات ناشی از تغییر ذهنیت غنایی شاعر نسبت به انسان و اجتماع است. نشان می‌دهد که عاشق و معشوق به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند و بسیاری از خواسته‌های عاشق که در گذشته یک آرزو بوده، امروز دست‌یافتنی شده است.

اهداف پژوهش

۱. تبیین چرایی ایجاد تحول در سیمای معشوق در غزل معاصر ایران
۲. ارائه مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد توصیف هنری از معشوق در غزلیات معاصر در ایران

سؤالات پژوهش

۱. چه عواملی در ایجاد تحول در غزل معاصر و توصیف از معشوق نقش داشتند؟
۲. کدام مؤلفه‌ها در غزلیات شاعران معاصر منجر به ترسیم هنری از سیمای معشوق شده است؟

واژگان کلیدی: سیمای هنری معشوق، غزل، شاعران ایرانی.

شعر فارسی از گذشته تاکنون، جلوه‌گاه مضامین متنوعی بوده و در دوره‌های مختلف به طریق گوناگون با توجه به اوضاع زمان، شرایط و به موازات آن مضامین جدیدی را تجربه کرده‌است. عشق یکی از نخستین مضامینی بوده است که در شعر ایران و جهان پدیدار شده است. بررسی اشعار فارسی نشان می‌دهد که ادبیات فارسی و مخصوصاً حوزه‌ی شعر، هیچ‌گاه از عنصر عشق خالی نبوده و عشق همواره بعنوان یکی از درون‌مایه‌های شعر مطرح بوده و عاشقانه‌سرایی در دوره‌های گوناگون شعر فارسی بر مبنای ذهنیت غنایی شاعران، مسیر پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. از این رهگذر عاشقانه‌سرایی در حوزه‌ی ادب پارسی، عمدتاً در قالب تغزل‌های قصیده‌ای آغاز شده و بعداً در قالب مستقل غزل ادامه یافته است. شاعران زیادی در عرصه غزل - عاشقانه و عارفانه - طبع خویش را آزموده و در دوره‌های مختلف شعر فارسی، آثاری گران‌بها و نفیس از خود به یادگار گذاشته‌اند. سعدی نامدارترین غزل‌سرای عاشقانه است و مولانا در قلعه غزل عارفانه قرار دارد. در این میان حافظ تلفیقی از غزل عارفانه و عاشقانه را در پیش گرفته بود. غزل فارسی از آغاز تاکنون دو دوره‌ی متفاوت را تجربه کرده است. غزل کلاسیک که از آغاز شعر فارسی تا قبل از مشروطه ادامه می‌یابد و چندین قرن طول می‌کشد و غزل‌سرایان بزرگ فارسی را در دامان خویش دارد؛ معمولاً مسیر مشخص و ثابت را از نظر قالب و محتوا، در قرن ششم سنایی غزنوی عرفان را به درون مایه آن می‌افزاید، طی می‌کند. غزل بعد از مشروطه تا حد زیادی با غزل کلاسیک در فرم و محتوا متفاوت است و این موضوع از آن جا نشأت می‌گیرد که ذهنیت شعرا نسبت معشوق عوض شد و معشوق آن کلیت خود را از دست داد و تا حدودی به سوی فردیت سوق یافت. از طرفی غزل اجتماعی شکل می‌گیرد و شعر به طور رسمی به جامعه گام می‌نهد و این موضوع باعث می‌شود که قالب غزل از حالت آکادمیک شعری خارج شود و خیلی از واژه‌ها که تا به حال اجازه ورود به غزل را نداشتند به راحتی در آن بگنجند. در خصوص ضرورت انجام این تحقیق باید گفت: بررسی و تحقیق در مفاهیم کلیدی و پایه‌ای آن مانند معشوق، کمتر مورد ارزیابی پژوهشگران قرار گرفته است بدون شک شناخت مفاهیم کلیدی یک خلأ در حوزه ادبیات و بویژه در دوره معاصر است که می‌توان با بررسی سیر تحول سیمای معشوق در غزل معاصر فارسی با تکیه بر آثار و آرای برگزیده با محوریت رویکرد شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با غزل کلاسیک، منجر به یافته‌های جدید خواهد شد؛ لذا از این منظر نیاز به این موضوع یک ضرورت انکارناپذیر است.

بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد که تاکنون اثر مستقلی در خصوص سیمای هنری معشوق در غزلیات شاعران معاصر انجام نشده است. با این حال آثاری درباره سیمای معشوق در شعر انجام شده است. مقاله‌ای با عنوان «سیمای معشوق و عناوین و القاب شاعرانه‌ی او در اشعار بر جای مانده از رودکی» به قلم مرتضی چرمگی عمرانی به رشته تحریر در آمده است (۱۳۹۲). او در این اثر به این نتیجه رسیده است که لقب شاعرانه بت، القاب خوب، ماه و نگار، پری و سرو یار از توصیفات رودکی از سیمای معشوق هستند. اغلب القاب و نام‌های شاعرانه به صورت تشبیه، استعاره و یا رکنی

تشبیه و ترکیب وصفی اند که بر اثر کثرت تکرار به مرور حالت استعاری، تشبیهی و توصیفی خود را از دست داده همچون نامی شاعرانه برای معشوق به کار رفته‌اند. معشوق از نظر رودکی کاملاً زمینی است با صورتی سپید و سرخ همراه با لطافت و نرمی، ابروان کشیده، گیسوان سیاه و پرپیچ و خم و خوشبو با دهان تنگ و لبان سرخ، چشم‌های خمار و خالی کوچک بر لب (چرمگی عمرانی، ۱۳۹۲: ۷۹). مقاله‌ای دیگر با عنوان «سیمای معشوق در عاشقانه‌های اخوان ثالث» توسط مهدی بهفر نگاشته شده است (۱۳۷۸). نویسنده این اثر معتقد است شناسه معشوق در غزل معاصر به همان صفات و تشبیهات و استعارات معشوق غزل محدود است. معشوق هر گونه که در عالم واقع زندگی شاعر بود یا نبود می‌شد ترک چشم آشوبگر و سیاه مست و فتان و غماز، شکر لب و عیسا نفس و شیرین دهن و شوخ کمر باریک و الف قامت است. واژگان توصیف‌گر معشوق در شعر او همان توصیفات معشوق در غزل کلاسیک است (بهفر، ۱۳۷۸: ۶۲). در هر حال نگارنده پژوهش حاضر، بر آن است تا با روش توصیفی و تحلیلی با تکیه داده‌های کتابخانه‌ای، سیمای هنری معشوق در غزل معاصر ایران را به تصویر بکشد. تصویری که تا حد زیادی گویای تحولات ساختار و فرهنگی در جامعه ایران در دوره معاصر است. این تغییرات ناشی از تغییر ذهنیت غنایی شاعر نسبت به انسان و اجتماع است. نشان می‌دهد که عاشق و معشوق به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند و این تغییرات در سیمای معشوق و توصیف آن مؤثر بوده است.

نتیجه‌گیری

در غزل معاصر کلیت معشوق رنگ می‌بازد و فردیت آن شکل می‌گیرد. بر همین اساس معشوقی کلی، مبهم، انتزاعی و حتی معشوق آسمانی از غزل رخت برمی‌بندد و معشوق انسانی - زمینی - جای او را می‌گیرد. در غزل نوگرایان از توصیف‌های تکراری، کلیشه‌ای و بعضاً ملال‌آور گذشته که سال‌ها معشوق با آن‌ها توصیف می‌شد، خبری نیست. ذهنیت غنایی شاعر تحت تأثیر اوضاع روزگارش تغییر کرده و لذا اندیشه‌ی شعری‌اش متحول شده‌است. از این منظر توصیف سیمای معشوق هم در غزل امروزی، واقعی و پذیرفتنی و مطابق با ظاهر متعارف وی است. معشوق در غزل معاصر یک فرد عادی جامعه است که حتی می‌تواند این معشوق که پیوسته توصیف می‌گردد، همسر شاعر باشد. پس نوع نگاه شاعر به وی یک نگاه آرمانی نیست. گیسوان معشوق قرن‌ها تنها با رنگ سیاه توصیف می‌شد. در ادب گذشته معشوقی با موهای بلوند سابقه ندارد. در این دوره با رنگ‌های طلایی و روشن هم دیده می‌شود. آن حالت گیسوان بلند و پریشان یار در این عصر کمتر دیده می‌شود، گیسوان وی کوتاه و پیچیده هستند. بنابراین در این دوره با توجه به گسترش رئالیست، شاعران غزل‌سرا نیز در اشعار خود سیمای معشوق را از طریق کاربست استعارات و تشبیه هنرمندانه به تصویر کشیده است. تنوع در کاربست رنگ‌ها در توصیف اجزای زیبای چهره معشوق چون چشمان سبز و آبی یا موهای سیاه و یا طلایی به تصویر هنری معشوق تنوع بیشتری داده است. این رویکرد از یک سو بازتاب رویدادهای سیاسی و اجتماعی و تحولات جامعه است که شاعران را واقع‌گرا کرده است.

منابع

- آذر، شب‌نم، (۱۳۸۴)، به تمام زبان‌های دنیا خواب می‌بینم، تهران: ثالث.
- آروند، ملیح‌سا (۲۰۱۵)، "نقاشی زنان و دیدگاه تاریخی، مطالعه دوره قاجار و پهلوی و معاصر" همایش بین‌المللی هنر، تهران، صص ۱-۱۱.
- احمدی پوراناری، زهره (۱۳۹۷)، "دو مضمون از توصیف واقعی معشوق در غزل منزوی"، بهبهانی و بهمنی، مجله شعرپژوه (بوستان ادب)، شماره ۳۶، صص ۱-۱۶.
- ایرج میرزا (۱۳۵۳)، دیوان اشعار، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: گلشن.
- ایرانمنش، مریم، طغیانی، اسحاق، محمدی فشارکی، محسن (۱۳۹۳)، "سازه‌های هنری عاشق و معشوق در دور اثر نظامی"، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۲۲، صص ۹-۳۰.
- باقری خلیلی، علی‌اکبر، محرابی کالی، منیره (۱۳۹۶)، "تحلیل گفتمان سیاسی-اجتماعی رابطه عاشق و معشوق در غزلیات سعدی"، متن‌شناسی ادب فارسی، شماره ۳۳، صص ۳۷-۵۶.
- براهنی، رضا (۱۳۸۰)، روشن‌تر از خاموشی (برگزیده شعر امروز ایران، به انتخاب مرتضی کاخی، چاپ چهارم، آگه. بهار، محمدتقی (۱۳۸۷)، دیوان ملک الشعرای بهار، چاپ اول، تهران: نگاه.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۸۲)، مجموعه اشعار، تهران: نگاه.
- بهمنی، محمدعلی (۱۳۸۵)، گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود، تهران: دارینوش.
- _____ (۱۳۸۵)، شاعر شنیدنی است، چاپ سوم، تهران: دارینوش.
- جعفری، طیبه (۱۳۸۵)، "بررسی ساختارهای زبان غزل‌های هوشگ ابتهاج"، کاوش‌نامه، شماره ۱۳، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۷۵)، "زیبایی کمال مطلوب زن در فرهنگ ایران"، ایرانشناسی، ش ۳۲، صص ۷۰۳-۷۱۶.
- خویی، اسماعیل (۱۳۸۰)، روشن‌تر از خاموشی (برگزیده شعر امروز ایران، به انتخاب مرتضی کاخی، چاپ چهارم، آگه. جهانمرد، محبوبه، آقابابایی، زهرا، حسنعلیان، سمیه (۱۳۹۶)، "اشتراکات زیبایی‌شناختی و مضمون‌پردازی زلف معشوق در شعر فارسی و عرب"، فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، شماره ۳، صص ۹۷-۱۲۶.
- چرمگی عمرانی، مرتضی (۱۳۹۲)، "سیمای معشوق و عناوین و القاب شاعرانه‌ی او در اشعار به جای مانده از رودکی"، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۲۱، صص ۶۵-۸۲.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۳۹)، "رهی معیری"، پیام نوین، شماره ۲، صص ۳۰-۵۰.

دهم‌دهه، حیدرعلی (۱۳۹۲)، "غزل زاییده عشق و عشق زاییده جمال"، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال یازدهم، شماره بیستم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۰۲-۸۳.

رحیمی، امین، امیدعلی، حجت (۱۳۹۲)، "بررسی زبان غزل محمدعلی بهمنی"، مطالعات و تحقیقات ادبی، شماره ۱۷، صص ۳۷-۵۰.

رهی معیری (۱۳۹۳)، دیوان رهی معیری، به کوشش علی اصغر طاهری و محمد طاهری، چاپ اول، مشهد: داریوش. روزبه، محمدرضا (۱۳۷۹)، سیر تحول غزل فارسی، تهران: روزبه.

ژاله، محمدعلی (۱۳۸۱)، "مروری بر آثار بانوی غزل «سیمین بهبهانی»"، کارنامه، شماره ۳۰، صص ۳۹-۴۱. شاملو، احمد، (۱۳۸۷)، مجموعه اشعار، تهران، انتشارات نگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت)، تهران: سخن. شیخی، علیرضا. دشتبانی ملک‌آباد، مینا (۱۳۹۶)، "خوانشی بر نقاشی‌های دیواری مهدی قلی‌بیگ مشهد"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱، صص ۳۹-۵۲.

صهبا، ابراهیم (۱۳۴۱)، دفتر صهبا، چاپ دوم، تهران کتابخانه ابن سینا.

فرخزاد، فروغ (۱۳۸۰)، روشن‌تر خاموشی، برگزیده شعر امروز ایران، به انتخاب مرتضی کاخی، تهران: آگه.

فرخزاد، فروغ، (۱۳۸۳)، مجموعه اشعار، تهران: شادان.

قاینی، زهره (۱۳۹۰)، تصویرگری کتاب‌های کودکان، چاپ اول، تهران: مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.

لوشر، ماکس (۱۳۷۲)، روانشناسی رنگ‌ها، ترجمه ویدا ابی‌زاده، تهران: درسا.

فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ (۱۳۳۵)، دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: اقبال.

مرادی، نرگس، تسلیمی، علی، خزانه دارلو (۱۳۹۷)، "معشوق ایده‌آل، معشوق-مادر"، ادبیات پارسی معاصر، شماره ۱، صص ۲۰۷-۲۳۲.

مشیری، فریدون (۱۳۸۰)، روشن‌تر خاموشی (برگزیده شعر امروز ایران، به انتخاب مرتضی کاخی، تهران: آگه.

مصدق، حمید، (۱۳۸۶)، مجموعه اشعار، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.

منزوی، حسین (۱۳۸۴)، با عشق در حوالی فاجعه، چاپ دوم، تهران: پاژنگ.

_____ (۱۳۸۷)، حنجره‌ی زخمی تغزل، چاپ دوم، تهران: آفرینش.

_____ (۱۳۸۷)، از ترمه تا تغزل، چاپ پنجم، تهران: روزبهان.

موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۰)، روشن‌تر خاموشی (رگزیده شعر امروز ایران، به انتخاب مرتضی کاخی، تهران: آگه.

میر، محمد، کیچی، زهرا (۱۳۹۳)، "جلوه معشوق در آینه‌ی شعر وحشی بافقی"، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۲۳، صص ۲۴۵-۲۶۱.

گلروبی، یغما، (۱۳۸۸)، باران برای تو می‌بارد، تهران: نگاه.

نادرپور، نادر (۱۳۸۰)، روشن‌تر از خاموشی (برگزیده شعر امروز ایران)، به انتخاب مرتضی کاخی، تهران: آگه.

نصیری زنجان، اسد (۱۳۸۶)، "حسین منزوی، هم چنان در انزوا"، حافظ، شماره ۴۷، صص ۳۸-۴۱.

نظری، فاضل (۱۳۹۵)، گریه‌های امپراتور، چاپ ۴۵، تهران: سوره مهر.

نیستانی، منوچهر (۱۳۸۰)، روشن‌تر خاموشی؛ برگزیده شعر امروز ایران، به انتخاب مرتضی کاخی، تهران: آگه.

وزین‌پور، نادر (۱۳۷۴)، مدح داغ‌ننگ بر سیمای ادب فارسی، تهران: معین.